

تیبیین قرہیسیک انتظار

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ
اَلْاِیْمَانَ بِرَبِّکَ
وَالْحَقِیْقَةَ بِکَلِمَاتِکَ
وَالْحَقِیْقَةَ بِاَسْمَائِکَ
وَالْحَقِیْقَةَ بِاَعْمَالِکَ
وَالْحَقِیْقَةَ بِاَنْبِیَائِکَ
وَالْحَقِیْقَةَ بِاَوَّلِیِّیْنَکَ
وَالْحَقِیْقَةَ بِاٰخِرِیِّیْنَکَ
وَالْحَقِیْقَةَ بِاَسْمَائِکَ
وَالْحَقِیْقَةَ بِاَعْمَالِکَ
وَالْحَقِیْقَةَ بِاَنْبِیَائِکَ
وَالْحَقِیْقَةَ بِاَوَّلِیِّیْنَکَ
وَالْحَقِیْقَةَ بِاٰخِرِیِّیْنَکَ

الشیخ محمد صالح المنجد



تالیف : حمید پور عیسی





تبیین فرهنگ انتظار

حمید پور عیسیٰ

انتشارات دھسرا

سرشناسنامه	پورعیسی، حمید، ۱۳۴۳
عنوان پدیدآور	تیبیین فرهنگ انتظار / نگارش و تالیف حمید پورعیسی.
مشخصات نشر	رشت، دهسرا، ۱۳۸۶
مشخصات ظاهری	۶۴ ص.
شابک	ISBN : 978-964-8575-39-2
یادداشت	۵۰۰۰ ریال
موضوع	فیفا
موضوع	محمدبن حسن (ع)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.
رده‌بندی کنگره	مهدویت -- انتظار.
رده‌بندی دیویی	۲۲۲/۲۹۳۶
شماره کتابخانه ملی	۲۹۷/۲۶۲
	۴۲۷۲۰ - ۸۵

◀ نام کتاب : تیبیین فرهنگ انتظار
◀ مؤلف : حمید پورعیسی
◀ ناشر : انتشارات دهسرا
◀ تلفن : ۲۲۴۱۹۷۱ - ۲۲۳۰۹۷۱ - ۱۳۱
◀ طرح جلد : مجید رحمانی
◀ حروفچینی : زهره مهاجر
◀ نوبت چاپ : چاپ اول
◀ تاریخ انتشار : سال ۱۳۸۶
◀ شمارگان : ۱۰۰۰ جلد
◀ تعداد صفحات : ۶۴ صفحه
◀ قطع : رقعی
◀ لیتوگرافی : همراهان ۳۲۲۹۰۰۳ - ۱۳۱
◀ چاپ و صحافی : چاپ توکل ۲۲۸۱۰ - ۱۸۲۳۲
◀ شماره استاندارد بین المللی کتاب : ۳۹-۲ - ۸۵۷۵-۹۶۴-۹۷۸
▶ ISBN : 978-964-8575-39-2
◀ قیمت سراسر کشور : ۵۰۰ تومان

کلیه حقوق قانونی و شرعی برای مؤلف و ناشر محفوظ است. هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق تکثیر تمام یا قسمتی از این اثر را به صورت حروفچینی و چاپ مجدد، چاپ الفست، پلی کپی، فتوکپی و انواع دیگر چاپ را ندارد و متخلفان به موجب بند ۵ از ماده ۲ قانون حمایت از مؤلفان و هنرمندان تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

بسم الله الرحمن الرحيم

(پیش درآمدی بر تبیین فرهنگ انتظار)

هوای عاطفه دنیا ابری است ، دلم گرفتار تنگ غروب است ، همواره به چشم هایم التماس می کنم که تا تو را ندیده اند کم سو نشوند ، خودم را پیوسته به دامان خواهش دست هایم می اندازم که روزی هزار بار نام تو را در مرکز قلبم با خط درشت بنویسد .

عمری است که مروارید انتظار را بر گلوگاه مژگانمان آویخته ایم . دل هامان در عطش آب حیات می سوزند و سینه تنگمان در قفس انتظار پرپر می زند ، ما که با انتظار زاده شده ایم و با انتظار زیسته ایم گاه چون ماهی سرگردان در دریای انتظار شناوریم .

شبم ایمان را با عصاره جان آمیخته ایم و گرد و غباری را که از سمت آمدن تو می وزد ، در دیدگان خویش نواخته ایم . انتظار ، واژه ای است که معنای یک قاموس در آن نهفته است ، یعنی رویش بال های پرواز بر تن کبوتران ناز .

انتظار یعنی دل سپردن . یعنی اهتراز بال های بلند سنجاقک حس ، یعنی سفر به نقطه تلاقی همه خوبی ها ، انتظار یعنی حاصل ضرب گل در ایستادن .

تمامی قلب را به قائم بخشیدن . انتظار یعنی فشردن دست های اتحاد و ایمان یکرنگی

انتظار یعنی انتقام گیری از دشمنان گل و آئینه و آب و مظلومیت .

انتظار یعنی هر روز جوانه زدن در گلستان عشق هر روز آگاهی ، هر روز آمادگی برای دفاع از ساحت خورشید پنهان ، ماه و ستارگان آشکار .

انتظار یعنی تطهیر و شستن تن های غبار گرفته در رودهای جاری نور.
 ای ماه روشن شب های زندگی ، ای روح هرچه تابندگی.
 ای موعود همه منتظران ، بر فصل انتظار نقطه پایان بکار و مرهم وصل بر زخم
 های هجران ما بگذار .
 ای امید همه کسانی که در پی رهائی از این دنیای مادی و رسیدن به کامیابی و
 سعادت حقیقی اند.
 ای مهدی موعود (عج) بیا و همچون باران بر قلب بیابان ها بیار و بذر عدالت را
 بر سرزمینهای فکر و اندیشه و قلب هایمان بریز تا جوانه های انسانیت و عشق به
 معبود ابدی از آن سرزند و خورشید توحید، بر جان های یخ زده ما بتابد تا رودی
 روان و دریای خروشان شویم و گام هایمان برای نابودی هر آن چه رنگ و بوی
 ستم و ظلم و دوگانگی دارد برداشته شود.
 ابرها پیش از تو می بارند تا هوا، تازه تنفس شود.
 گل ها پیش از آمدن تو شکوفا می شوند تا فضای زندگی انسان ها معطر شود.
 ابرها، خود باران می شوند تا گونه های نورانی تو را بوسه زنند. درختان پیش از
 آمدن تو در هر فصلی که باشد به بار می نشینند تا به استقبال تو آیند.
 بلبلان پیش از آمدن تو می خوانند تا دلنشین ترین آواز را تقدیم حضور تو کنند
 . رودها پیش از تو جاری می شوند، تا به زیبایی جریان ظهور تو پیوندند. دریاها
 پیش از تو آرام می شوند تا شاهد آرام بخشی حضور تو باشند.
 و زمین همه گنج ها و نهفته های با برکت خود را پیش از تو شکوفا می کنند تا
 به میزبانی قدم های تو بیایند.

عهد و پیمان های همه عشاق با حضور تو امضاء می شود تا سربداران عشق ،
حجله شهادت و پرواز را در حضور تو ببندند.

نغمه های چکاوکان پیروزی و رهایی با ظهور تو از چهار گوشه عالم هستی به
گوش می رسد و عدالت همچون نو عروسی زیبا بر قلب ها قطره های محبت می
نشانند. زیباترین سرودها با حضور تو گوش ها را می نوازند و قلب ها از خود
چیزی جز محبت را تراوش نمی کنند.

عدالت با تو زیبا می شود و طراوت شب‌نم های صبحگاهی با خورشید وجود تو
مژگان های انتظار ما را می تکانند و رنگین کمان عشق نگاه تو آسمان وجود ما
را از ستارگان امید پر می کنند .

وزش نسیم خنکای عطر وجودت همه هستی ما را معطر به عشق عدالت و نور
هدایت خواهد کرد.

تو نوری و هر کس به تو اقتدا کند، نورانی خواهد شد.

پس ای خورشید عدالت و نور و هدایت، وجود ظلمانی و تاریک ما را، از
رذایل و تیرگی برهان و ما را در کهکشان عشق هدایت قرار بده.

ای آفتاب گم شده طلوع کن و چشم انتظاران خسته را با هوای تازه جانی دیگر
بخش .

شمس شمس فاطمه بیایا

ماه منیر فاطمه بیایا

یا بن علی مرتضی

فروغ نور انبیاء

برج نگاه سبز ما بیایا

سوار موج لاله ها

منـتـقـم آل عبـا

یا بن النبی المصطفی

نشان بی نشانها بیایا	زیب رسول دو سرا
روشن از آن وجود تو	نور جهان ز نور تو
مسیح این زمان بیایا	کوکب مکه و منی
نسیم خوش نواز ما بیایا	لعل یمانی نگاه
تو وارث و تو مالکی	تو مصلح و تو منجی ای
صاحب قلب های ما بیایا	خدا را ذخیره ای
معطر از عشق خداست	ظهور تو نور خداست
سرود سبز لاله های بیایا	عدالت امید ماست
آهوی مشکین منی	سرو خرامان منی
حضور تو نجات ما بیایا	امام برحق منی
به عشق تو نغمه سرا	بلبل آرزوی ما
ظهور تو نوید ما بیایا	ذکر نوای جان ما
به جاه ، شاه و منزلت	ترا قسم به شوکت
متصل ارض و سما بیایا	به سوز ناله و غمت

تبیین فرهنگ انتظار:**معنای لغوی انتظار:**

از ماده نظر است به چند معنی می آید:

- ۱- نگاه، مشاهده، تماشا کردن ناظر - بیننده، نگاه کننده - چشم
 - ۲- به معنای تدبیر، تأمل در کار - بصیرت، آگاهی
 - ۳- تاخیر انداختن، مهلتی در کار بودن یا به معنای مترقب بودن که گشایشی در کار طرف پیدا شود. یعنی فعلاً مهلت بدهید. مثلاً می فرماید:
- « فانتظروا فانی معکم من المنتظرین »
- مترقب باشید که من با شما و مترقب سرنوشت شما هستم.»
- ۴- توقع داشتن، متوقع بودن



معنای اصطلاحی انتظار :

انتظار حالتی از ترکیب ایمان و اعتقاد به مبانی دین و ولایت و ظهور امام زمان (عج) یا موعود آخر الزمان است . حالت انتظار دو ویژگی را به همراه دارد:

۱- از طرفی با شوق و علاقه به ظهور حکومت مصلحی در آخر الزمان که در فرهنگ شیعه این امر با همراهی اهل بیت (ع) که در گفتار و فرمایشات خود به آن تصریح فرمودند ، همراه است.

۲- تنفر از وضع موجود (غیبت امام) و توجه به نقص و فساد و تباهی که وضع موجود را فرا گرفته است و در وجود انسان شعله ور است.

تنفر از بی عدالتی و بی ایمانی ، تنفر از جنگ و خونریزی ، مظلوم کشی و ستم روا داشتن ، حضور مستکبران و قدرتمندان در صحنه های بین المللی برای ارضای حسن جنایتکارانه خود و چپاول ثروت های انسانی و طبیعی مردم محروم و مستضعف - در گمراهی قرار دادن مردم از حیث آگاهی بخشی و دانش افزایی دینی و محرومیت انسان از تفکر الهی و یگانه پرستی و توحید .

تنفر از اشاعه فساد و فحشاء و تباهی و استفاده از تکنولوژی و دستاوردهای علمی برای نابودی افکار و اندیشه و ویرانگی بنیاد خانواده و اساس بشریت .

و هم چون خفاشان و شب پره های خون آشام چنگال های خود را بر بدن های نحیف و ضعیف انسانیت ، عدالت ، شرافت ، کرامت فرو برده اند تا شکم های نامتناسب و ورم کرده خود را از آن پر کنند.

دندان های تیز ستم را بردست های به آسمان گرفته موحدان و الهیون فرو برده اند تا شاید بتوانند از این دست ها برای افزایش قدرت های پوشالی خود اجاره نشینی کنند.

بشر امروز خود را در مقابل همه این ها متنفر می بیند و درصد نجات خود از این منجلاب متعفن است.

با توجه به معنای اصطلاحی انتظار می توان دو گونه انتظار را بیان کرد:

۱- انتظاری که سازنده، تحرک بخش و تعهد آور است و این نوع انتظار براساس آنچه در تعالیم بلند و عالی اهل بیت (ع) و معصومین آمده است با فضیلت ترین رفتارها و عبادات است.

چنانچه رسول گرامی اسلام (ص) فرمود:

« برترین اعمال امت من انتظار فرج است »

هم چنانکه حضرت امیر (ع) می فرماید:

« انتظروا الفرج و لا تياسوا من روح الله فان احب الاعمال

الی عزو جل انتظار الفرج »

« شما منتظر گشایش و فرج باشید و از خدا مأیوس نشوید - هوای

یاس و ناامیدی از خدا بر شما غلبه نکند پس بدرستی که محبوب ترین کارها

نزد خداوند انتظار فرج است.»

و رسول گرامی اسلام (ص) در روایتی دیگر می فرماید:

« انتظار الفرج بالصبر ، عباده »

این برداشت از انتظار حلقه ای از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل است که به پیروزی اهل حق می انجامد. سهیم بودن یک فرد در این سعادت و پیروزی موقوف به این است که آن فرد علماً و عملاً، در گروه اهل حق باشد.

۲- انتظاری که ویرانگر، فلج کننده و همراه با نوعی اباحیگری است که عده ای معتقدند باید فساد و فحشاء و ظلم ها رواج پیدا کند و گسترش یابد. باید در جامعه تبعیض ها و اختناق ها و حق کشی احیاء شوند و باید کمک کرد تا آن ها گسترش یافته و رواج پیدا کنند و این عاملی برای انفجار خواهد بود و ظهور شکل می گیرد، در این دنیا حقیقت طرفداری ندارد، در این هنگام دست غیب برای نجات حقیقت از آستین بیرون می آید و آن زمان است که اصلاحات صورت می گیرد؛ لکن قبل از آن نباید دست به هیچ اصلاحی زد هر اصلاحاتی محکوم و تبلیغ و فراخوانی مردم به رعایت مقررات و آداب یا اجرای حد و حدود الهی ممنوع و محکوم است و باید تعطیل شود و اباحی گری را باید ترویج کرد، اهل تساهل و تسامح بود و هر چیزی را باید مباح شمرد، حلال و حرام نباید رعایت شود محرم و نامحرم باید آمیخته شوند و هر آنچه رنگ و بوی خوب شدن را دارد باید برچید.

این محصول برداشت از دو تفکر است لکن آنچه از آیات قرآن و روایات معصومین (ع) برمی آید، انتظاری است که بشریت دارد انتظاری سازنده، تعهد آور و تحرک بخش است و همراه با عمل صالح و اعتقاد و ایمان راسخ به حد و حدود و مقررات الهی و اجرای آن ها.

آیاتی همچون سوره نور / ۵۵ که می فرماید:

« وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنكم

فی الارض »

« خداوند به کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح و نیکو و

شایسته انجام داده اند هر آینه به زودی جانشینی و حاکمان روی زمین قرار می

دهد.»

که این حاکمیت در سوره قصص / ۵ تصریح شده است که فرمود:

« نريد ان نمى على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم

ائمه و نجعلهم الوارثين و نمكن لهم فى الارض »

« اراده کرده ایم، کسانی که در روی زمین به استضعاف کشیده شده

اند و فرو دست باقی مانده اند حاکمیت ببخشیم و آنان را پیشوایان و وارثان

روی زمین گردانیم و در زمین به آن ها قدرت دهیم.»

هم چنان که در سوره انبیاء / ۱۰۵ فرمود:

« ان الارض يرثها عبادى الصالحون »

« بدرستی که وارثان زمین کسانی اند که بندگان صالح خدا هستند.»

همانطوری که در سوره اعراف / ۱۲۸ به بندگی خدا اشاره شده است فرمود:

« ان الارض لله يورثها من يشاء من عباده و العاقبه للمتقين »

« بدرستی که زمین از آن خداست و کسانی که از بندگان خدا باشند بر آن حاکمیت پیدا می کنند (خدا بندگان خود را وارث آن می گرداند) و عاقبت کار از آن متقین و پرهیزگاران است.»

در روایتی از امام صادق آمده است که فرمود:

« من دین الائمه الورع و العفه و الصلاح ... و انتظار الفرج

بالصبر »

« روش و راه دین بزرگان و پیشوایان ، پارسایی ، عفت و پاکدامنی و

اصلاح امور و انتظار فرج صبورانه است.»

از این آیات و روایات آن چه استنباط می شود انتظار کشیدن انسان برای ظهور حضرت مهدی (عج) باید همراه با اصلاحات ، پارسایی - عمل صالح - ایمان به خدا و آورده های رسولان و انبیاء الهی و انجام واجبات و ترک محرمات است. چرا که بندگی خدا بدون رعایت علمی و عملی حدود مقررات و شرعیات امکان پذیر نیست و به هیچ وجه با اباحتی گری و ترویج و غوطه ور شدن در فساد و تباهی و فحشاء سازگاری ندارد . انسان نمی تواند در دریای لجن آلود و متعفن شناگری پاک و مطهر باشد و ادعا کند که به ساحل انتظار و فرج و ظهور می رسد ، لکن پاک دامنی و طهارت و نظیف و خوشبو بودن از آن انسانیت و عدالت و بندگی خداست و این ادعای کاذب و دروغین و گزافی بیش نیست و در حد امکان و احتمال هم نمی باشد لذا ادعای پوچ و بی معنا است .

منتظر حقیقی، دنبال حقایق است و حقیقت جزء از منشاء ذات الهی سرچشمه نمی گیرد و کسی می تواند حقایق را دریابد که به آن سرچشمه الهی خود را متصل نماید و جزء «**الا عبادک منهم المخلصین**» باشد. یعنی خود را از همه اغوا، حيله ها و وساوس و اعمال شیطانی رهایی بخشد و به سرزمین نورانی شریعت الهی گام نهد تا به سعادت ابدی برسد.

با توجه به مطلب مذکور و جمع بندی از معانی لغوی و اصطلاحی می توان این ویژگیها را از این معانی ذکر کرد.

۱- اندیشیدن در فرهنگ انتظار نقطه اوج است و راس هرم قرار دارد. معنایی از تامل تدبر و تفکر در آن موج می زند. به این معنا که انسان منتظر به واقعه ی که در آینده اتفاق می افتد ایمان دارد و می اندیشد که چرا منتظر است و در انتظار چه کسی؟ چرا باید او بیاید و اگر آمد با او چه کاری دارد؟ و یا در آینده وظیفه او چیست؟

و یا حال که در انتظار او نشسته است و چشم به راه است وظیفه او در مقابل آمدن او چیست؟ و ده ها سوال دیگر که از مخزن اندیشه و تفکر او برمی خیزد و باید برای آن ها پاسخی پیدا کند، او می اندیشد که اگر او آمد چه نوع اموری را باید با او در میان بگذارد؟

به یقین این امور که در بین است باید آماده باشد و علاوه بر آن، امور آماده باید با ایده، اهداف، رسالت او سنخیت داشته باشد فلسفه وجودی او باید درک شود؛

لذا اولین اصل و ویژگی در فرهنگ انتظار تأمل و تفکر و اندیشیدن و معرفت پیدا کردن نسبت به منتظر و آگاهی به امری مهم و همساز و همراه با فلسفه وجودی حضور اوست، که اولاً اقامه عدل و داد است و ثانیاً در سایه سار عدالت، اجرای قوانین الهی و دینی و عمق بخشیدن به آورده های انبیاء و توصیه ها و شریعت اولیاء و ائمه اطهار(ع)؛ لذا انسان منتظر متفکر است و متدبر.

این انسان وقتی اهل تفکر و تدبر و معرفت شد قدم به سوی تکامل و تعالی قدم بر می دارد چون اولین مرحله حرکت انسان به سوی تکامل از شناخت و تفکر و معرفت شروع می شود، زمانی که تصمیم گرفت به سوی تکامل و تعالی پیش برود متحرک می شود و حرکت می کند وقتی حرکت کرد چون به سوی یک امر متعالی و متکامل پیش می رود و کمال جوئی جزء فطرت اوست، گرایش و تمایل او شدت می گیرد و پتانسیل حرکت او زیاد می شود. لذا شتاب می گیرد؛ وقتی شتاب گرفت، یعنی موجودی شده است پویا و در این میان وقتی در حال حرکت است با هرچه سد راه او باشد و او را از این حرکت شتابان به سوی تکامل و تعالی باز دارد مبارزه می کند، مجاهده می کند؛ لذا شخص منتظر مبارز است و مجاهد و چون طی کردن راهی طولانی و رسیدن به هدف بلند مدت نیاز به تلاش و کوشش دارد و عبور از سختی ها و موانع صعب العبور فردی و اجتماعی، لذا می شود مجاهد، مجاهد چی؟

مجاهد در راه رسیدن به تکامل و تعالی، به سوی هدف خلقت.

از این روی با ایستایی - جمود، تحجر که موانع حرکتند مبارزه می کند لذا شخص منتظر هم مبارز است و هم مجاهد و اهل تحرک و جهاد و این ها عوامل برای برتری و فضل این گروه از انسانهاست و در قرآن کریم بیان شده است؟

خداوند متعال در قرآن کریم در سوره نساء / ۹۵ فرمود:

« فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً »

« خداوند مجاهدان و مبارزان را بر انسان های بی تحرک و نشسته برتری داده است و برای آنان اجری بزرگ و ثوابی عظیم است. »

در این میان نه تنها شخص منتظر مبارز است و مجاهد بلکه پیراسته و آراسته و نظیف و شفاف هم هست از هر نوع آلودگی و غبار گرفتگی مبرا است، او مانند آب روانی شده است شفاف و زلال ، آب روان نه تنها خود پاک است هر چیز نجس و ناپاکی را هم پاک می کند و نظافت را به او برمی گرداند.

آب روان و در حال حرکت بوی تعفن به خود نمی گیرد، ناپاکی ها و آلودگی ها را در بین راه یا به کناری می زند و یا آنها را تبدیل به موجودی پاک می کند.

لذا در درون آب روان و متحرک هرگز علف های هرزه و موجودات ناپاک رشد نمی کنند. این برکه است که وقتی روان نیست هرگونه ناپاکی در آن جا رشد می کند، لذا شخص منتظر نه خود مفسد است و نه جامعه را فاسد و نه خود متعفن را تحمل می کند او مبارز است و مجاهد و پیراسته و آراسته و پاک و زلال و شفاف .

موضوع اصلاحات و اصلاح گری در فرهنگ انتظار :

از ویژگی های شخص منتظر و از خصوصیات فرهنگ انتظار اصلاحگری است. یعنی شخص منتظر نه تنها خود را اصلاح می کند بلکه مصلح هم هست چون منتظر با منتظر باید سازگاری و سنخیت داشته باشد، منتظر مصلح کل اجتماع است پس باید منتظر هم خود اصلاح شود و هم رنگ و بوی منتظر را داشته باشد. یعنی تفکر، اندیشه و اعمال او مصلحانه و اصلاح گرایانه باشد.

قرآن کریم در سوره انبیاء / آیه ۱۰۵ ویژگی های وارثان روی زمین را بیان می کند و می فرماید:

« و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون »

مصلحان واقعی و اصلاح گران حقیقی در جامعه دینی کسانی اند که اول عباد و بنده خدا باشند و سر تسلیم در برابر اوامر و نواهی و دستورات الهی فرود آورند؛ لذا جامعه ای که دینی است و ادعای دین داری و اصلاح طلبی می کند نباید نمادها و شاخص های مفسد اجتماعی را ترویج کند. مهدی موعود «عج» او بزرگ مصلح عالم و آدم است مگر او با مفسد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی مبارزه نمی کند؟

پس اگر منتظر و در انتظار ورود مبارک او هستیم اول باید عبد و بنده خدا باشیم و با داشتن ریسمان بندگی به گردن به اصلاح جامعه و افراد پردازیم. بعد اصلاحگری را شروع کنیم (عبادی الصالحون).

پس فرهنگ انتظار با ترویج فساد و منکرات سازگاری ندارد، آن چنان که برداشتی از آن وجود داشت که باید زمین پر از فساد و فحشاء و ظلم و جور شود تا انفجاری صورت پذیرد و مردم نجات پیدا کنند. این برداشت غلطی از ظهور و انتظار است. زیرا زمین از آن صالحان است، صالحانی که بنده خدا هستند نه بنده زر و زور و تزویر و ریا و نفاق و رانتهای گوناگون اجتماعی یا بنده قدرت و فساد و تباهی.

خداوند در سوره اعراف / ۱۲۸ می فرماید:

« استعینوا بالله و اصبروا ان الارض لله یورثها من یشاء من

عباده و العاقبه للمتقین »

« از خداوند استعانت بجوئید و در کارها صبر کنید بدرستی که زمین

برای خدا و از آن اوست و هر زمانی که بخواهد بندگان خود را وارث آن می

گرداند و عاقبت امور از آن متقیان و پارسایان است.»

باید به دو نکته این آیه توجه داشت .

۱- عباد خدا

۲- تقوای الهی در همه ابعاد فردی و اجتماعی .

و این تاکید قرآن بر ویژگی انسانهای منتظر است و تعلیم فرهنگ عالی قرآنی

است که در دعاهای ماثوره وارد شده است که در دعای امام زمان (عج) می

خوانیم:

« و تجعلنا فیها من الدعاه الی طاعتک و القاده الی سبیلک »

۱- دعوت کننده دیگران به طاعت تو باشیم .

۲- راهنما و قائد و پیشاهنگ از دیگران در راه تو باشیم .

لذا با توجه به آیه ۱۰۵ سوره انبیاء و آیه ۱۲۸ سوره اعراف موضوع اصلاحات در فرهنگ انتظار جایگاهی ویژه دارد و ویژگی مصلحان و پیشتازان در عرصه اصلاحات در این آیات بیان شده است.

و آن اینکه انسان اول باید بنده خدا باشد یعنی خود را در آب زلال دین شستشو دهد، پاک کند، آراسته کند، خود دست به عمل صالح بزند. بعد دیگران را دعوت به عمل صالح و اصلاح گری کند، نه تنها عمل صالح باشد باید ایمان و اعتقاد به آن عمل هم داشته باشد. یعنی عمل هدف دار و با نیت الی الله و نتیجه آن هم احیاء حیات طیبه و پاک است یعنی اگر اصول کار در جامعه اسلامی رعایت شود، نتیجه آن حیات و زندگی است. قرآن کریم در سوره نحل آیه ۹۷ می فرماید:

« من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مومن فلنحیینه حیاة

طیبه و لنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون »

« کسی که عمل صالح انجام می دهد اعم از مرد و زن در حالیکه

ایمان به خدا دارد پس به او حیات طیبه عطا می کنیم و به آنچه عمل کرده اند

به بهترین وجه پاداش می دهیم. »

یعنی شخص مصلح هم باید حسن فعلی داشته باشد و هم حسن فاعلی. پس می توان گفت از کارکردهای عالی و مثبت فرهنگ انتظار رساندن جامعه بسوی حیات طیبه است یعنی زندگی و حیاتی دور از مفسد و منکرات و خبائث. فرهنگ انتظار و جامعه منتظر نباید جلوه ها و نمودهای فساد را در خود داشته باشد این ها شاخص های جامعه منتظر است.

در دعای امام زمان (عج) می خوانیم:

«اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمه تعز بها الاسلام و اهله

و تذل بها النفاق و اهله»

منتظران واقعی کسانی اند که در صدد عزت بخشی و سربلندی اسلام باشند به اهل دین و اسلام عزت ببخشند، مومنان را عزیز و سربلند و عمل ایمانی را ترویج و مردم را به سوی ایمان دعوت کنند و باید به این موضوع اعتقاد داشته باشند، که عزت و سرافرازی در سایه ایمان به خدا و رسول او تحقق پیدا می کند چنان که در سوره منافقون آیه ۸ آمده است:

« و لله العزه و لرسوله و للمومنين و لكن المنافقين لا يعلمون »

« عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مومنان است لیکن این

منافقان نمی دانند» و عزت در سایه ایمان به خدا

و در سوره فاطر ۱۰/ تاکید شده است:

« من كان العزه فله العزه جميعاً»

« هر کس سربلندی و عزت می خواهد سربلندی و عزت از آن

خداست»

از ویژگی مهم فرهنگ اصلاح طلبی و اصلاح گری انتظار، از بین بردن نفاق، دورویی و ریا در جامعه منتظران است نفاق بعنوان یک انحراف و یک بیماری معرفی شده است، لذا فرهنگ انتظار با ویروس و بیماری نفاق سازگاری ندارد و شخص منافق، هرگز در فرهنگ انتظار جایگاه و موقعیتی ندارد و اگر جامعه ای ادعا کرد که من جامعه منتظر هستم ولی خود در ابعاد گوناگون و نفاق و دورویی را پرورش می دهد این ادعا پذیرفتنی نیست.



فرهنگ انتظار و حیات طیبه :

قرآن کریم، هدف از نزول آیات الهی و کلام خدا به وسیله انبیاء و ابلاغ آن را به بشر، رسیدن انسان به یک حیات حقیقی و پاک و دور از همه آلودگی های دنیایی و نفسانی بیان می کند. چنانچه قرآن کریم در سوره انفال / ۲۴ می فرماید:

« یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم»

« ای کسانی که ایمان آوردید. دعوت خدا و رسول او را اجابت کنید. زمانی که شما را دعوت کردند، زیرا می خواهند شما را زنده کنند و به شما حیات ببخشند.»

امام مهدی «عج» رسول و حجت خدا برای هدایت بشر و مردم به سوی خدا می باشد زیرا رسالت او جدای از رسالت انبیاء و رسولان الهی نیست. او مصداق این آیه شریفه است که در سوره توبه آیه ۳۳ آمده است :

«هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهر علی الذین کله و لو کره المشرکون»

«با توجه به آیات مذکور، او دعوت کننده به سوی خداست و دعوت به سوی خدا به انسان حیات می بخشد و حیات واقعی انسان یعنی همان حیات در سایه دین خدا و عمل به دستورات الهی.»

این حیاتی که انسان در سایه فرهنگ انتظار به آن می رسد، حیات معمولی و دنیایی و از سنخ حیات دیگر موجودات و مخلوقات نیست. بلکه حیاتی است طیبه و پاک، و دور از هر گونه آلودگی و زشتی ها و این حیات طیبه و پاک در گرو عمل صالح و ایمان به خداست، چنانچه در سوره نحل آیه ۹۷ آمده است:

«من عمل صالحاً من ذکراً او انثی و هو مومن فلنحیینه حیاه طیبه»

«حیات از سنخ حیات نورانی، پاک و منزّه از هر گونه تعفن و آلودگی.»

البته نصیب هر کس نمی شود کسانی که عمل صالح انجام دهند و اعتقاد و ایمان به خدا و رسول او داشته باشند و به اوامر و نواهی او گردن نهند و مطیع و تسلیم اوامر خدا و رسول او باشند تربیت آن ها و اعمال آن ها رنگ و بوی ایمانی و خدایی داشته باشد و الا تربیت پذیری ویژگی خاص انسان نیست، بلکه همه موجودات تربیت پذیرند، از جمله انسان، لکن تربیت انسان در سایه ایمان به خدا ارزش واقعی پیدا می کند.

در فرهنگ انتظار است که انسان وقتی حیات پیدا کرد و حیات او حیات طیبه شد عزت و سربلندی و عظمت پیدا می کند چنانچه بخشی از بحث آن گذشت

و نتیجه دیگر آن صعود عمل صالح همراه با ایمان بسوی عالم ملکوت است و در بارگاه الهی مورد قبول واقع می شود هم چنان که در سوره فاطر آیه ۱۰ می فرماید:

« من کان یرید العزه جمیعاً فله العزه جمیعاً الیه یصد الکلم الطیب و العمل الصالح یرفعه »

« و وقتی عزت خدایی پیدا کرد موجودی پاک و طیب می شود و وجود پاک است که صعود پیدا می کند و اگر پاک نباشد قابل فیض نیست و صعود پیدا نمی کند و در واقع او هیچ ارزش و اعتباری ندارد. »

و وقتی عزت پیدا کرد و بالا رفت، صعود کرد، دائمی و زوال ناپذیر می شود از سنخ باقیات شود زیرا او خدایی شده است و از عالم طبیعت نیست، و این مطلب در سوره نحل / ۹۶ بیان شده است:

« ما عندکم ینفد و ما عندالله باق »

« آنچه پیش شما است تمام می شود و آنچه نزد خداست باقی و پایدار می ماند. »

پس انسان راه یافته به ملکوت خدا دیگر محکوم به فنا و زوال نیست بلکه ابدی و سعادت مند می شود و این تحقق فرمایش رسول گرامی اسلام (ص) است که فرمود:

« شما برای بقاء آفریده شده اید نه برای فنا . پس یکی از پیامدهای حضور در صحنه انتظار بقا و جاودانگی است.»



فرهنگ انتظار و توجه به دین و دینداری :

فرهنگ انتظار با بی دینی و ولنگاری و ترویج فساد و فحشاء ، ظلم و منکرات سازگاری ندارد.

قال رسول الله (ص) :

والذی بعثنی بالحق بشیراً لیغیبنَّ القائم من ولدی بعد معهود
الیه منی ، حتی یقول اکثر الناس : ما لله فی آل محمد (ص) حاجه و
شک آخرون فی ولادته فمن ادراک زمانه فلیمسک بدینه و لا یجعل
للشیطان فیہ سییلا بشکه فیزیله عن ملتى و یخرجه من دینی ، فقد
اخرج ابویکم من الجنه من قبل و ان الله عز و جل جعل الشیاطین اولیاء
للذین لا یؤمنون .

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

« سو گند به خدایی که مرا براستی برای بشارت برانگیخت ، قائم
فرزندان من ، برطبق عهدی که با او شده ، غایب می شود به طوری که اکثر
مردم خواهند گفت ؛ خدا به آل محمد(ص) نیازی ندارد و دیگران در اصل
تولدش شک می کنند . پس هر کس زمان غیبت را درک نمود باید دینش را
نگهداری کند و نگذارد شیطان از طریق ایجاد شک ، براو مسلط شود و او را از
ملت من جدا کرده و از دین خارج سازد. چنان که قبلاً پدر و مادر شما را از
بهشت بیرون کرد . خداوند شیطان را دوست و فرمانروای کفار قرار داده است.^۱

یمین تمار می گوید:

کنا عند ابی عبدالله «ع» جلوساً فقال لنا: ان لصاحب هذا الامر غيبه
التمسک فیها بدینه کالخارط للقتاد^۲ ثم قال - هکذا بیده فایکم
یمسک شوک القتاد بیده؟ ثم اطرق ثم اطرق هلیا، ثم قال:
ان لصاحب هذا الامر غيبه فلیتق الله عبد و لیتمسک بدینه .

« یمین تمار می گوید: خدمت امام صادق (ع) نشسته بودیم ، به ما فرمود: همانا
صاحب الامر را غیبی است، هر که در آن زمان دینش را نگهدارد مانند کسی
است که درخت قتاد را با دست بتراشد .

پس فرمود: کدام از شما می تواند خار آن درخت را با دستش نگه دارد؟ پس
اندکی سر به زیر انداخت و باز فرمود: همانا صاحب الامر را غیبی است هر بنده
ای باید از خدا پروا کند و به دین خود متمسک باشد.»^۳

^۲ - قتاد درختی است که خار بسیار دارد و خارهایش مثل سوزن است و تراشیدن خارش به این طریق
است که یک دست را بالای شاخه محکم گرفته و دست دیگر تا پایین بکشند و این جمله در عرب
مثلی است برای انجام کارهای دشوار و سخت.

^۳ - اصول کافی ج ۲ باب الغیبه حدیث ۱ - ص ۱۳۲

قرآن کریم در سوره صفا ۹ و ۱۰ و ۱۱ / می فرماید:

«هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی کله و لو کره المشرکون یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجاره و تنجیکم من عذاب الیم تومنون بالله و رسوله و تجاهدون فی السبیل باموالکم و انفسکم ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون.»

« او خدایی است که رسول و حجت خود را برای هدایت و بیان دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد هر چند مشرکان کراهت داشته باشند. ای کسانی که ایمان آورده اید آیا شما را بر تجارتی راه نمایم که شما را از عذابی دردناک می رهاند؟ به خدا و فرستاده او ایمان آورید و در راه خدا با مال و جانتان جهاد کنید و اگر بدانید این برای شما بهتر است.»

این آیات شریفه راههای نجات انسان و هدایت او را بیان می کند شاید سخت ترین و دشوارترین عذابی که بشر امروز آنرا تحمل می کند، بی دینی و بی توجهی به امور مذهبی و اعتقادی است، انسان امروز از بی خدایی رنج می برد و در آتش جاهلیت متمدن و شرک و بت پرستی مدرنیسم و پست مدرنیسم می سوزد و خاکستر او برای خدایان حاکم روی زمین به ارمغان می رود.

علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر (ع) نقل می کند که فرمود:

اذا فُقدَ الخامس من وُلدِ السابِعِ فالله فی اَدیانِکم لا یزیکم عنہا احد یا بنی اِنَّه لاصحاب هذا الامر من غیبه حتی یرجع عن هذا الامر من کان یقول به ، انما هی محنه من الله عز و جل امتحن بها خلقه ، لو علم اباؤکم واجدادکم دنیا اصح من هذا لا تبعوه .

«هرگاه پنجمین فرزند هفتمین ناپدید شود راه خدا نسبت بدینتان مواظب باشید، مبادا کسی شما را از دینتان جدا کند، پسر جان ناچار صاحب الامر غیبتی کند که معتقدین به امامت هم از آن برگردند.»

همانا امر غیبت یک آزمایشی است از جانب خدای عزوجل که خلقتش را به وسیله آن بیازماید، اگر پدران و اجداد شما دینی درست تر از این دین سراغ داشتند از آن پیروی می کردند (پس اگر دیگران بواسطه طول غیبت امام از دین برگشتند شما ثابت و پابرجا باشید).^۲

این روایات و آیات بیانگر این امر است که در آخر الزمان میزان معرفت و شناخت مردم نسبت به دین آن قدر کاهش پیدا کرده و ضعیف می شود که مردم در خصوص مسایل دینی تردید می کنند و یا به آن عمل نمی کنند.

چنانچه امروز شاهد عدم رعایت حلال و حرام خدا، ارتباط زن و مرد، اختلاط محرم و نامحرم، عدم رعایت مسایل اخلاقی، ترویج و ترغیب مردم به امور حرام و غیر شرعی هستیم.

دین، زمانی از دست انسان گرفته شده و انسان از دین خارج می شود که امور غیر دینی برای او ترجیح داشته و پیرو انحرافات غیر دینی شود و در واقع انسان خود را از حد و حدود و تابعیت قوانین شرعی خارج و آنچه از ناحیه هواهای نفسانی و ساوس شیطانی به او می رسد تبعیت و پیروی کند یا این که تابع خواسته ها و هواها و تمایلات خود باشد براساس آنچه که از معارف دینی و تعالیم اهل بیت (ع) برمی آید، یکی از ویژگی های پیش از ظهور حضرت

^۲ - اصول کافی جلد ۲ حدیث ۲ ص ۱۳۳-۱۳۲

مهدی (عج) پر شدن زمین از ظلم و جور و نابسامانی ها و خبائث است . چنان که حضرت امیرالمومنین (ع) در روایتی می فرماید:

« هو المهدی الذی یملا الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت جوراً و ظلماً »^۱

« او همان مهدی است که زمین را از عدل و داد پر می کند . چنان که از جور و ستم پر شده باشد. »

برخی از آیات قرآن کریم که بر اساس راهنمایی های روایی، تاویل به دوره ی آخر الزمان می شود برای نکته اشاره دارند که دین پسندیده جایگزین همه اعتقادات ، باورها و نظرات ساخته و پرداخته می شود و در برخی از آیات تصریح شده است که مردم از حقایق به دورند و تابع حاکمان و نظریه سازان و دین پردازان خود هستند.

در سوره نور آیه ۵۵ خداوند می فرماید:

« و عد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات یستخلفنکم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امناً »

« و خداوند به کسانی که از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده فرموده است که حتماً آنان را در زمین جانشین خود قرار دهد . همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین خود قرار داد و آن دینی

^۱ - اصول کافی جلد ۲ ص ۱۳۶

را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند. و بر همه مومنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد»
در روایات فراوانی آمده است که بندگان صالح وارثان زمین، همه یاران حضرت مهدی (عج) می باشند.

مفسران تاکید دارند که آیه اشاره به حکومت حضرت مهدی (ع) است که شرق و غرب جهان زیر لوای حکومتش قرار می گیرد و آیین حق در همه جا نفوذ می کند و ناامنی و خوف از پهنه ی روزگار محو می شود.

علامه طباطبائی علیه الرحمه می فرماید:

« خدای سبحان به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می دهند وعده می دهد که به زودی جامعه ای برایش تکوین می کند که جامعه ی به تمام معنا صالحی باشد و از همه ی ننگ کفر و نفاق و فسق پاک باشد زمینی را ارث می برند و در عقاید افراد آن و اعمالش جز دین حق چیزی حاکم نباشد.

امین زندگی می کنند ترس از دشمن یا خارجی نداشته باشند از کلیه نیرنگ بازان و ظلم ستمگران و زورگویی زورگویان آزاد باشند. این مجتمع طیب و طاهر باصفااتی که از فضیلت و قداست دارد هرگز تاکنون در دنیا منعقد نشده و دنیا از روزی که پیامبر (ص) مبعوث به رسالت گشته تاکنون چنین جامعه ای به خود ندیده لاجرم اگر مصداقی پیدا کند در روزگار حضرت مهدی (ع) خواهد بود. چون اخبار متواتره ای از چنین جامعه ای خبر می دهد »^۱

^۱ - تفسیر شریف المیزان ج ۲۹ - ص ۲۲۴

آنچه که اشاره شد نشان از سختی دینداری در دوران پیش از ظهور است و آنچه هم که از برخی آیات و روایات برمی آید، دوران پیش از ظهور دورانی سخت و پرفراز و نشیب برای دین و دینداران است آنچنان که دین سازی و دین آوری کاری سهل و آسان می شود و هر کس براساس تفسیر و تاویل خود بر آئین الهی وارد شده و حتی دیدگاه و نظر خود را بر قرآن ترجیح می دهند.

امیرالمومنین در خطبه ۱۳۸ می فرماید:

« يعطف الهوى على الهدى اذا عطفوا الهدى على الهوى و يعطف الراى على القرآن اذا عطفوا القرآن على الراى .»

« او - حضرت مهدی (عج) خواسته ها را تابع هدایت وحی می کند ، هنگامیکه مردم هدایت را تابع هوس های خویش قرار می دهند ، در حالی که به نام تفسیر نظریه های گوناگون خود را برقرآن تحمیل می کنند او نظریه ها و اندیشه ها را تابع قرآن می سازد.»

و در فرازی دیگر از این خطبه فرمود:

«فیریکم کیف عدل السیره و یحیی میت الكتاب والسنه»
 « پس عدالت و دادگستری را به شما می نمایاند و قوانین مرده قرآن و سنت را بار دیگر زنده می کند.»

در کتاب بحار الانوار جلد ۸۵ آمده است که:

« و ابدی ما کان بنده العلماء ورائ ظهور هم مما اخذت میثاقهم علی ان یبینوه للناس و لایکتموه.»

« مهدی (ع) آشکار می سازد و مسائل و حقایقی را که عالمان آن ها را پس پشت افکندند (و از نشر و اظهار آن خودداری کردند و از این خودداری مردم به گمراهی و ضلالت و فساد (کشیده شدند) حقایقی که از ایشان پیمان گرفته شده بود تا آن ها را به مردمان بازگویند و از آنان پوشیده ندارند. »

البته قابل ذکر است که سختی دین داری در دوران پیش از ظهور به دو صورت قابل تصور است که هردوی آن از آیات و روایات به دست می آید.

اول: وجود ناسالم اجتماعی و روابط نادرست و درهم ریخته و رواج اعمال ناشایست، انحطاط و انحراف، بیداد و ظلم، فساد و فحشاء دروغ و حيله گری و نیرنگ، بی اعتمادی و عدم وجود امنیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی ... در جامعه است که زمینه را برای خروج انسان ها از دین و دینداری فراهم می کند و در واقع دین سوزی برخواسته از تابعیت هواهای نفسانی و لذت طلبی های افراد در جامعه و رسیدن به امکانات مادی و گرایش به رفاه طلبی، تجمل گرایی و زیاده خواهی می باشد که روایات زیادی در این خصوص وارد شده است که ذکر آن خالی از حسن نخواهد بود.

دوم: انحطاط فکری و دین سازی و دین آرای افکار و اندیشه های بشری و ارائه آن به جامعه بنام دین، که این موضوع خود شامل دین سازی انسانی توسط دست آوردهای علمی و فکری بشر می شود و نوع دین آن استفاده از متون دینی و آورده های انبیاء الهی لکن با دست بردهای ماهرانه و رنگ و لعاب دادن از خواسته ها و تمایلات خود که فرمایش امیرالمومنین (ع) و روایات دیگر ذکر شد چنانچه قرآن هم در سوره نور/۵۵ به ذکر آن پرداخت اما عوامل انحطاطی اخلاقی دین سوزی مردم در جامعه هستند در روایات زیادی آمده

است که مردم در آخر الزمان دچار چه مصیبت ها و انحرافات اخلاقی و دینی می شوند که به نوبه خود در نابودی جامعه نقش بسزایی دارند.

در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود:

« به یحییٰ بن یساکه **بیهیبت الله الکذب و یذهب الزمان الکلک** »^۱

« به دست مهدی (عج) خداوند دروغگویی را در (روابط اجتماعی)

محو می کند و روزگار آزمندی (سختی و فشار) را به سر می آورد. »

همه ما می دانیم که دروغ در روابط اجتماعی، زمینه بیداد و ظلم و حق کشی و فساد و انحطاط است دروغ اطمینان و اعتماد افراد را به یکدیگر از بین می برد و جامعه را دچار بی اعتمادی و سوء ظن می کند و همانند خوره ای جان روابط اجتماعی سالم و درست را می خورد در حالی که دین توصیه به راستگویی و صداقت در گفتار و رفتار می کند و آن جا که در روایات به قباحت و زشتی دروغ تاکید شده است نشان دهنده این است که از اصول بهم ریخته و گسیختگی اجتماعی دروغ در رفتار و کردار و اندیشه است. دین و پیشوایان دینی، فرد دروغگو و جامعه دروغ پرور را به مرده ای تشبیه کرده اند که هیچ اثری از خود ندارند.

امیرالمومنین (ع) فرمود:

« **الکذاب و المیت سواء لان فضیله الحی علی المیت الثقه به**

فاذا لم یوثق بکلامه فقد بطلت حیاته . »^۱

^۱ - بحار جلد ۵۱ ص ۷۵

« دروغگو و مرده با هم برابرند زیرا برتری انسان زنده بر مرده این است که می توان به ان اعتماد کرد پس زمانی که به کلام و سخن فردی اعتماد وجود ندارد پس حیات او باطل شده و همانند مرده است.»

جامعه دروغ پرداز و دور از صداقت هرگز زیبایی هدایت الهی را نخواهد داشت و از ضلالت و گمراهی رنج می برد.»

خداوند تعالی در سوره زمر / ۳ می فرماید:

« ان الله لا یهدی من هو کاذب کفار»

« بدرستی که خداوند انسان دروغگو و تکذیب کننده کافر را هدایت

نخواهد کرد.»

دروغ بعنوان فاسد کننده هر چیزی بیان شده است امیرالمومنین (ع) فرمود:

« الکذب فساد کل شیء »

دروغ فاسد کننده هر چیزی است» و در روایت دیگر همه خبائث به

دروغ و دروغ پردازی نسبت داده شده است.

امام حسن عسگری (ع) فرمود:

«جعلت الخبائث فی بیت و جعل مفتاحه الکذب»^۱

«همه زشتی ها و بدی ها در یک خانه قرار گرفتند و کلید آن را

دروغ قرار دادند.»

یکی از راه های انحراف از دین و انحطاط در دین داری، انحراف و انحطاط در شناخت معیارهای حق و حقیقت است. آن جا که اصول دین و معیارهای شناخت دین مورد دستبرد چپاولگران اندیشه و دین سازان ظاهر بین و سطحی نگر قرار گیرد. اصول از معیارهای اصلی خود خارج شده و افراد و جامعه را به انحراف و سقوط می کشاند و درست از نادرست، سره از ناسره قابل تشخیص نیست. بدبختی و ناکامی جایگزین سعادت و کامیابی می نشیند و هیات اندیشه خود را بجای اعتقادات و باورهای درست جا می زند.

روایتی در وسایل الشیعه جلد ۱۱ ص ۵۱۴ از امام صادق نقل شده است که می فرماید:

«الا تعلم ان من انتظر امرنا و صبر علی ما یری من الادی و

الخوف فهو غداً فی زمرتنا فاذا رایت الحق قدمات و ذهب اهله.»

«آیا می خواهید شما را آگاه کنم از کسانی که منتظر امر ما هستند (

منتظران مهدی موعود) و بر آنچه از اذیت و آزار و خوف و ترس به ما می رسد

صبر می کنند پس آن ها فردای آن روز درخشان با ما هستند؟

(و آن کسان در چه شرایطی و وضعیتی زندگی می کنند امام آگاه می کند.)
پس زمانی به شما می رسد که حق مرده است و اهل آن از بین می روند.»

«و رایت الجور قد شمل البلاد»

«ظلم و جور و ستم و بیداد همه بلاد و کشورها را فرا گرفته است.»

«و رایت القرآن قد خلق و احدث فيه مایس فيه وجه علی

الاهواء»

«قرآن را می بینی که متروک و کهنه شده است و چیزهایی را به آن بستند که از قرآن نیست و قرآن را براساس هواهای نفسانی و تمایلات شخصی و منفعت خود توجیه و تفسیر می کنند.»

در واقع قرآن مهجور می شود و مورد بهره برداری هدایتی قرار نمی گیرد چنانچه در سوره فرقان / ۳۰ آمده است که رسول گرامی اسلام (ص) در روزگار رستاخیز به خداوند می فرماید:

یا رب ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجوراً

«خدایا بدرستی که این قوم من نسبت به قرآن بی توجهی روا داشتند و

آن را مهجور نگه داشتند.»

« و رایت الدین قدانکفی کما ینکفی الماء »

دین را می بینی که همانند آب بخار می شود و از بین می رود.^۱

« رایت الدین بالرأی و عطل الکتاب و احکامه »

« دین خدا را می نگری که با آراء شخصی تفسیر و کتاب خدا و

قوانین آن تعطیل است.»

« و رایت اهل الباطل قد استعلوا علی اهل الحق »

« اهل باطل را می بینی که بر اهل حق برتری پیدا کردند.»

امروز ما شاهد استعلی و برتری حکومت های باطل و زورگو و مستکبر بر حکومت های حق و حق طلب هستیم ، امروز اصول دین و کتاب خدا از ناحیه آن ها ساخته می شود قضیه سلمان رشدی ، قرآن سازی سیاست مداران دنیا و مستکبران جهانی که امروز در مقابل دین خدا به آن دست می زنند.

ایجاد و توسعه نظریه های ضد دینی تساهل و تسامح برای ترویج فساد اخلاقی و ریشه کن کردن اصول بنیادین اخلاقی و معنوی ، طرح نظریه قرائت های مختلف از دین، پلورالیسم بجای خداگرایی و توحید محوری ، شخصیت سازی های کاذب از افراد بی هویت بنام شخصیت های علمی و دینی و تزریق آن ها به کشورهای اسلامی ...

^۱ - در بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۵۶-۲۶۰

همه این‌ها در جهت دین زدایی و سوق دادن انسان بطرف یک زندگی مادی و حیات ماتریالیستی است و فاجعه عظیم و بزرگی که امروز و آینده بشر را مورد تهدید قرار داده است خروج انسان از اصول اولیه انسانیت و رو آوردن به زشت‌ترین اعمال خلاف انسانی و عقلی و اجتماعی است، روابط ناسالم جنسی، برخورد تک جنسی با انسان‌ها کردن، استفاده نامشروع از امکانات مادی، مهبجوریت جهان به روش تکنولوژی جدید جاهلیت، استفاده از زنان برای جلب منفعت و انحطاط اخلاقی با روش تکنولوژی جدید (ماهواره، اینترنت، و رسانه‌های جمعی...) کشتار و قتل و تجاوز به کودکان و زنان بی دفاع در کشورهای کوچک و ضعیف...

عقب‌نگه داشتن کشورها و ملت‌های جهان سوم، محرومیت آن‌ها از برخوردی از تکنولوژی‌های جدید همانند: تکنولوژی و علوم هسته‌ای، همه این‌ها اموری است که بشریت آینده را مورد تهدید قرار داده است. و فاجعه عظیم سقوط انسانیت در انتظار ملتها و جهان فرداست که در این روایت امام صادق (ع) بعنوان ششمین پیشوای شیعیان و بنیان‌گذار مذهب جعفری به آن اشاره کرده است. می‌فرماید:

«و رایت الشر ظاهراً لاینهی عنه و یعذر اصحابه»

«شر و بدی را می‌بینی که ظاهر می‌شود و کسی از آن نهی نمی‌کند و آنرا باز نمی‌دارد و اصحاب و افراد شرور را معذور می‌دارند (یا شاید اشاره به این مطلب باشد که کسانی که باید نهی کنند عذر می‌آورند).»

« رایت الفسق قد شهر و اکتفی الرجال بالرجال والنساء

بالنساء »

« فسق و فجور آشکار می شود و مردان در امور جنسی به مردان رو

می آورند و زنان به زنان اکتفا می کنند. »

اشاره به قانون همجنس گرایی و ازدواج همجنس دارد که امروز در برخی از

کشورها بصورت قانونی در آمده است و همچنین امروز کانال هایی از ماهواره

های دنیا، زنان را بعنوان دو همجنس در معرض دید همگان قرار می دهند و زنان

در امور جنسی به همدیگر اکتفا می کنند.

« و رایت المومن صامتاً لایقبل قوله »

« مومن را می بینی که سکوت کرده و خاموش است و حرف های او

مورد توجه قرار نمی گیرد. »

امروز شاهد سانسورهای فراوان در خصوص سخنرانی ها - صحبت ها و پیام

های ایران اسلامی که بعنوان ام القری کشورهای اسلامی است از سوی سازمان

های جهانی و کشورها و رسانه های غربی هستیم. کمپانی های رسانه ای که

در جهان چنگال های خود را همانند خون آشامان بی رحم بر جثه های نحیف و

ضعیف رسانه های خبری فرو برده اند و برای اتزاق و حیات ننگین خود آنچه

خود بخواهند مخابره می کنند.

و دنیا را در هاله ای از بی خبری حاکمیت حق و حق مداری و دینداری قرار

داده اند تا آن جا که با وجود رسانه های خبری لحظه ای و آنی و مخابره خبرها

به صورت آن به آن ، دنیا از وضعیت مردم ایران و شرایط زندگی آن ها که یک شرایط عالی برای زندگی ، با وجود امنیت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و دینی است بی خبرند و مردم دنیا تحت سلطه مافیای خبری قرار گرفتند که مردم ایران و کشورهای اسلامی را تروریست و ضد حقوق بشر و دارای زندگی قهقرایی و قرون وسطایی تلقی می کنند.

در حالی که خود در شرایط اسفبار فساد اخلاقی ، بیماری های ایدز ، تبعیض نژادی ، راه اندازی دریای خون در کشتار مردم بی دفاع عراق و افغانستان و لبنان و فلسطین مظلوم بسر می برند و از آنجا که شأنتی برای انسان غیر غربی قایل نیستند دست به هرجنایتی می زنند.

دروغ گویانی هستند که در لباس راستگویی خود را به دنیا عرضه کردند و هیچ کس هم جلوی آن ها را نمی گیرد و مقابل آن ها ایستادگی نمی کند و به خود اجازه می دهند که به هر کس با تهمت زدن ها و دروغ پردازی ها به اهداف شوم خود برسند.

امام می فرماید:

« و رایت الفاسق یکذب و لایرد علیه کذبه و فدیته. »

« فاسقی را می بینی که دروغ می گوید و کلام وارونه به مردم دنیا

تحویل می دهند لکن کسی دروغ و تهمت آن ها را تکذیب نمی کند و جلوی آن ها ایستادگی نمی کند. »

« و رایت الصغیر لیستحققر الکبیر »

« خردسالان و کودکان ، بزرگسالان را تحقیر می کنند و کوچک

می شمارند. »

در همین رابطه روایتی از رسول گرامی اسلام (ص) در بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۸۰ وارد شده است که فرمود:

« و ذلک عند ما تصیر الدنیا هر جاً و مرجاً و یغار بعضهم علی بعض فلا الکبیر یرحم الصغیر و لا القوی یرحم الضعیف فحیث یاذن الله له بالخروج »

« غیبت در هنگامی است که دنیا دچار آشفتگی می گردد و مردمان به یکدیگر می تازند ، نه بزرگسالان به خردسالان رحم می کنند. و نه قدرتمندان بر ناتوانان در این هنگامه ها خداوند امام (غائب) را اجازه خروج می دهد. »

شاید دلیل به تحقیر کشاندن بزرگان از سوی خردسالان این باشد که آن ها بر صغیران و کودکان رحم نمی کنند و اصول تربیت و پرورش بر اثر وجود گسیختگی و درهم ریختگی از بین رفته و رعایت نمی شود و اصولاً قوانین آموزشی و تربیتی جایگاه خود را از دست خواهند داد و هر کس بر اساس روش و شیوه خود زندگی می کند.

فردگرایی بر جمع گرایی ، خواسته و تمایلات فردی بر قوانین و اعتبارات حقیقی غلبه پیدا می کند و آنچه که امروز شاهد آن در جهان غرب هستیم که «

هر کس هر چیزی بخواهد باید به آن احترام گذاشت « حاکم می شود که امروز واقع شده است.

امام در ادامه می فرماید:

«و رایت الارحام قد تقطعت»

«صله ارحام و ارتباط خانوادگی قطع می شود.»

این فرمایش امام شاید ناظر بر این مطلب باشد که اساس خانواده به خطر می افتد و یک گسست روابط خانوادگی شکل می گیرد. خانواده به عنوان هسته اصلی اجتماعات دچار بی ثباتی و تزلزل می شود و پیوندهای خانوادگی گسیخته و سست می شود. مرد حقوق زن و زن حقوق مرد را رعایت نمی کند. فرزندان حرمت پدران و مادران را ندارند و مادران و پدران مسئولیت تربیت فرزندان را از یاد برده اند (که در بالا اشاره شد) و کسان از افراد خانواده و فامیل برده اند.

در روایت دیگر امام فرمود:

«و رایت العقوق قد ظهر و استخف بالوالدین.^۱»

«نافرمانی و گستاخی آشکارست و بی حرمتی نسبت به والدین رایج

است.»

یکی از احتمالاتی که در این خصوص است این است که قطع ارحام با عدم شکل گیری اصل خانواده صورت می گیرد. آنجایی که انسان ها به جای شکل

^۱ - بحار ج ۵۲ ص ۲۵۶

دادن به خانواده و ارج نهادن به آن به عنوان یک نهاد دارای روابط سالم جنسی برای تزايد نسل و زاد و ولد و تربیت افراد و پرورش آن ها برای اداره جامعه و جامعه پذیری آن ها ، روابط ناسالم جنسی و نامشروع را جایگزین کنند که کسی عهده دار تربیت فرزند نامشروع نمی شود و یا اصولاً خانواده ای شکل نمی گیرد.

فقط افراد در حد ارضای شهوات و تمایلات حیوانی خود با همدیگر رابطه برقرار می کنند و هر زمانی هم که بخواهند می توانند از همدیگر جدا شوند و کاری به کار همدیگر نداشته باشند چنانچه در فراز های دیگر از این روایت آمده است که امام صادق (ع) فرمود:

رایت الغلام تعطی ما تعطی المراه و رایت النساء یتروجن النساء ، و رایت الرجال یتمنون بالرجال و النساء بالنساء و رایت الرجل معیشه و من دبره و معیشه المراه من فرجها و رایت النساء یتخذن المجالس کما یتخذها الرجال و رایت التانیث فی ولد العباس قدظهر و اظهروا الخضاب و امتشطوا کما تمشط المراه لزوجها و اعطوا الرجال الاموال علی فروجهم و تنوفس فی الرجل و تغایر علیه الرجال.

« بچه های کوچک (پسر بچه ها) را می بینی که عمل شنیع لواط را انجام می دهند، عملی که زنان به آن دست نمی زنند و زنان را می بینی که با

زنان ازدواجی کنند و عمل جنسی انجام می دهند) یعنی عمل سحاق یا مساحقه انجام می دهند)^۱

مردان را می بینی که تمایل و خواهش به طرف مردان دارند و زنان به طرف زنان.

مردان بوسیله عمل شنیع لواط زندگی خود را می گذرانند و معیشت آن ها از طریق خود فروشی به دست می آید و زنان هم بوسیله زنا و خودفروشی.

زنان را می بینی که همانند مردان مجالسی که مخصوص مردان است به پا می کنند و همانند مردان عمل می کنند (شاید اشاره ای باشد به میزبانی ها و پارتی های شبانه و خوشگذرانی های جمعی باشد که در این دوران متداول است ، مجالس لهو و لعب ، مشروب خواری ، جشن های مبتذل و مجالس قمار بازی ، مجالسی که برای استفاده از مواد مخدر برپا می شود ، که همه این ها می توانند مصداقی از مجالس برپا شده باشد).

جنس مونث (اشاره به زنان فرزند آور دارد) را می بینی که فرزندان ترش رو و عبوس می آورند. باید گفت فرزندان که از راه نامشروع ، با تغذیه های ناسالم ، استفاده مادر از مشروبات الکلی ، مواد مخدر ، حضور در محافل و مجالس لعب و لهو ، ارتباط با مردان گوناگون ، متولد می شوند وضعیت بهتری از این نخواهند

^۱ مساحقه در اصطلاح فقهی عمل جنسی زن با زن را می گویند همانند لواط که عمل جنسی مرد با مرد به آن اطلاق می شود که کیفر این عمل در قوانین شرعی در صورت ثابت شدن ۱۰۰ ضربه تازیانه است ، عده ای هم گفته اند که اگر مساحقه گر متاهل باشد یعنی زن شوهر دار باشد حکم رجم جاری می شود و همچنین اگر مساحقه تا چهار بار تکرار شود حکم آن قتل است

داشت و این ها همه ناشی از فاصله گرفتن انسان عصر غیبت است از آموزه های عالی دین و تربیت دینی.

در فراز دیگر می فرماید:

«کان الزنا تمتدح به النساء و رایت البدع و الزنا قد ظهر و رایت ذوات الارحام ینکحن و یکتفی بهن و رایت الرجل یاکل من کسب امراته من الفجور یعلم ذلک و یقیم علیه و رایت المرأه یقهر زوجها و تعمل مالا تشتهی و تنفق علی زوجها و رایت الرجل یگری امرته و جاریته و یرضی بالدنی من الطعام و الشراب و رایت النساء ینذلن انفسهن لاهل الکفره.»

« زنان زناکار مدح و تشویق می شوند و مورد احترام قرار می گیرند ، بدعت و زنا ظاهر و آشکار می شود و مردم با ارحام و محارم خود ازدواج می کنند و به آن ها اکتفا می کنند، مردان را می بینی که از کارهای فجورانه و زناکارانه زنان خود امرار معاش می کند در حالی که خود می دانند و خود اقدام به این کار می کنند و راضی به این عمل هستند ، زنان را می بینی که در سلطه مردان هستند و عملی را انجام می دهند که هیچ میلی به آن ندارند و از این راه هزینه و خرج همسران و مردان را تامین می کنند ، مردان را می بینی که زنان و کنیزان را به کارهای ناپسند وادار می کنند و آن ها را با بدترین غذاها و نوشیدنی ها سیر می کنند(به عبارت دیگر زنان و کنیزان را دور گردی و به بازی می گیرند و توسط این کار روزی می خورند) زنان را

می بینی که خود را برای اهل کفر و کافران بذل و بخشش می کنند.»

کنایه از تسلط اهل کفر و عزت و احترام پیدا کردن آن ها در جوامع انسانی و حاکمیت آن ها است .

مصیبت بالاتری که آخر الزمان گریبانگیر مردم می شود این است که امام می فرماید:

« و رایت البهائم ینکح و رایت البائهم تفوس بعضها بعضاً »
 « بهائم و حیوانات مورد ازدواج قرار می گیرند (کنایه از انجام عملی جنسی انسان با حیوانات است) و حیوانات را می بینی که طوری تربیت می شوند که بعضی در خدمت بعضی دیگر قرار می گیرند »

البته در برخی از کشورهای غربی حیوان نگه داری جزئی از زندگی آن ها شده است که بعضی آن ها را برای ارضاء عمل جنسی خود تربیت می کنند و می فرماید:

« و اظهروا الخضاب »

« آرایش ها و خضاب و زیبائی ها آشکار می شود و مردان همانند

زنان گیسوان و موهای خود را بلند می کنند و خود را شبیه زنان می نمایانند .»

این موضوع امروز برای ما محسوس و مورد مشاهده است در عصری که ما زندگی می‌کنیم شاهد نازک کاری ابروان مردان و بلند کردن موها همانند زنان هستیم، مردان امروز کاملاً خود را آرایش و شبیه زنان می‌کنند، نکته دیگر اینکه گرایش برخی از مردان به زنان در تبدیل تناسل جنسی خود زیاد شده است و عده ای خود را از مرد بودن به زن بودن رسانیده اند و عده ای برعکس زنایی که تمایل به مرد بودن پیدا کنند.

امام می‌فرماید:

« و رایت المراه تصانع فروعها علی النکاح الرجال »

«زنان را می‌بینی که اندام تناسلی خود را همانند اندام ازدواج مردان

می‌سازند.»

زنایی که وظایفی در قبال مردان خود دارند آن کار را برای همه مردان دیگر و دیگران و نامحرمان انجام می‌دهند - ظاهر شدن آرایش‌ها، پوشیدن لباس‌های نامناسب، به نمایش گذاشتن اندام و اعضای تناسلی شهوت‌آور و فساد انگیز، که در نوع خود در زمانه‌ها بی‌نظیر است و سابقه‌ای در میان امت‌های گذشته نداشته است. دختران کم‌سن و سال و پسران نوجوان گرایش عجیبی به خود نمایی و خود آرایی پیدا کرده‌اند، با کوچکترین فرصت‌هایی که به دست می‌آورند دنبال تجربه‌های جنسی و ارتباط با جنس مخالفند و این موضوع را بعنوان کاری مفتخرانه تلقی می‌کنند، گاهی برخی از آن‌ها این رفتار ناسالم را ترویج

و به همدیگر سفارش می کنند و این خباثت ها هست که حس دین گرایی و زندگی سالم اجتماعی را از بین می برد. امام در ادامه می فرماید:

واعطوا الرجال ...

« مردان تمام اموال و درآمدهای خود را صرف امور جنسی و اعمال شهوات رانی می کنند ، و تفوفس فی الرجل بچه ای که مال مرد است مردان دیگر آن را از آن خود می دانند و آنرا غیر از فرزند آن مرد می شمارند .»

در روایت دیگری امام صادق (ع) فرمود:

« ورايت الناس همهم بطونهم و فروجهم ، لايبالون بما الكلوا و بمانكحوا و رایت الدنيا مقبله عليهم»

«همه کوشش مردم صرف شکم و مسایل جنسی می شود و در شکم و شهوت لاابالی و بی بند و بار اند و دنیا به آنان روی آورده است.»^۱

«و رایت الرجل ینفق المال غیر طاعه الله و رایت العظیم من المال ینفق فی سخط الله و رایت الرجل اذا مر به یوم و لم یکسب فیه الدنّب العظیم من فجور او بخش مکیال او میزان او غشیان حرام او شرب مسکر کینبا حزیناً»

« مردان را می بینی که مال و ثروت خود را در غیر اطاعت خدا خرج می کند و بخش عظیمی از مال افراد و درآمد روزانه در راه طغیان و خشم و غضب خدا هزینه می شود و افراد روزی بر آن ها نمی گذرد مگر اینکه بر خود

^۱ - بحار الانوار ج ۵۲ - ص ۲۶۰

لازم می بینند که گناه بزرگی مرتکب شوند و در روزی که فسق و فجوری انجام ندهند یا کم فروشی نکنند یا غش در معامله که حرام است مرتکب نشوند یا مشروبات الکلی مصرف نکنند آن روز بسیار محزون و ناراحت و غمگین هستند.»

راه و رسم کسب حرام در آخر الزمان باز می شود، گویا انسان ها از کسب حلال رنج می برند و آنچه برای آن ها لذت بخش است خوردن مال و کسب آن از راه حرام است. رشوه خواری، رباخواری، مال دیگران را به غصب تصاحب کردن، سرقت و دزدی، کم فروشی، مغبون کردن دیگران، غش در معامله، احتکار، قاچاق - فروش اجناس مخرب همانند مشروبات الکلی، مواد مخدر، داروهای مخرب (مانند شیشه، کریستال...) معامله و قراردادهای غیر شرعی در قالب شرعی همانند مضاربه های امروزی، در آن زمان آشکارا صورت می گیرد. این امور غیرانسانی که با انگیزه های سودجویانه انجام می شود در روابط اجتماعی افراد جامعه تاثیر می گذرد و انسان ها در راه تحقق گناه و ترویج و تشویق آن متحد می شوند.

امام علی (ع) در خطبه ۱۰۸ می فرماید:

« وصال الدهر صیال السبع العقور»

«روزگار چونان درنده خطرناکی حمله ور شده»

« و هدر فنیق الباطل بعد کظوم»

«و باطل پس از مدت ها سکوت نعره می کشد.»

« و تواخی الناس علی الفجور و تهاجروا علی الدین »

«مردم در شکستن قوانین خدا دست در دست هم می گزینند و در

جدا شدن از دین متحد می شوند.»

« و تحابوا علی الکذب و تباغضوا علی الصدق . »

« و در دروغ پردازی با هم دوست و در راست گویی دشمن

یکدیگرند . »

فاذا کان ذلک کان الولد غیظاً

«فرزند با پدر دشمنی می ورزد.»

والمطر فیظاً

« و باران خنک کننده ، گرمی و سوزش آورد.»

و تغیض اللئام حنیفاً

«پست فطرتان همه را جا پر می کنند.»

و تغیض الکرام غیظاً

«نیکان و بزرگواران کمیاب می شوند.»

این بخشی از وضعیت مردم در دوران غیبت حضرت مهدی (عج) است که نشانه

ای از دین و دیانت و رفتارهای دینی و حاکمیت آموزه های الهی در آن نیست.

در حالی که قرآن و روایات، جامعه دینی را جامعه ای سالم و بدور از خباثت های اخلاقی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و دینی ترسیم می کند.

در ادامه حدیث امام صادق (ع) فرمود:

«و رایت سبیل الخیر منقطاً و سبیل الشر مسلوکا و رایت بیت الله قد عطل و یؤمر بترکه و رایت الرجل یقول ما لا یفعله.»

«راه های خیر مسدود و بسته و راه های شر و بدی ها گشوده می شود (مردم راه های درست و هدایت شده را نمی پیمایند در حالی که در مسیر شر و بدی طی طریق می کنند و این بیانگر این است که اتحاد و همبستگی در پیمودن راه های ضلالت و گمراهی و بدی ها وجود دارد و قباحت امر برای آن کار شر وجود ندارد.»

و راه های بد زمانی برای انسان باز می شود و انسان تن به آن تن در می دهد که طبیعت خود را به آن عادت داده باشد و از امور وجدانی و فطری فاصله گرفته باشد و به نوعی از خود بیگانگی گرفتار شده باشد. به امور و احکامی عقلی توجهی نکند چرا که بسیاری از بدی ها و خوبی ها تشخیص آن به عقل است و جزء احکام عقلی هستند به عبارت دیگر ما قضایایی داریم که در برخی از علوم به آن ها قضایای مستقلیه عقلی می گویند یعنی عقل بدون کمک و ارشادات شرعی خود را ملزوم به صدور آن می داند مانند: صداقت، عدالت، شرافت، احترام به دیگران، رعایت حقوق دیگران، کمک به هموعان، توجه به انسانیت انسان، برعکس - دروغ، ظلم، تزییع حقوق دیگران، قتل، خوردن مال یتیم، بی توجهی به امور انسانی، عدم رعایت حقوق همسایگان ... همه این ها را به

وادی قباحت می کشاند و در قبرستان زشتی ها و بدی ها دفع می کند و حکم به عدم انجام آن ها می کند وجود آن ها را تصدیق می کند اما انجام آن ها را ممنوع می داند.

جامعه ای که به این درد و بیماری بزرگ مبتلا شده است راه های خیر را می بندد در واقع عقل او به تعطیلی کشیده شده است و به الزامات عقلی پایبندی ندارد و قوانین بدیهی و ابتدای عقلی را هم زیر پا گذاشته است و در واقع خود از نعمت محروم شده و عقلانیت او زائل شده است و برعکس وقتی راه شرو و بدی را به روی خود گشوده است، مسیر پیروی از هواهای نفسانی و طریق زندگی حیوانی را در پیش گرفته است.

شاید زندگی برتر از حیوانات چنانچه قرآن کریم در چند آیه شریفه آن ها را ترسیم کرده و به ما معرفی می کند. این تیپ انسان ها به مرحله ای رسیده اند که دیگر مشاعر و حواس آنها قدرت ارائه معرفت و شناخت درست به آن ها نمی دهد و آنچه مورد خروج و ورود یا صادرات و واردات و دستگاه وجودی آن ها است چیزی جز زباله هایی حیوانی و برآورده های غیرانسانی و اعمال حیوانی نیست و چون قلب آن ها تحت تاثیر محیط های خارجی و تربیت بیرونی قرار گرفته است قدرت ارسال پیام درست و صحیح را ندارد و این نهایت مسیر ضلالت و گمراهی انسان است که در آخر الزمان گرفتار آن می شود. او گرفتار بیماری ها و دردهای لاعلاج جسمی همانند ایدز، سرطان های ناشناخته، قطع نسل و کاهش زاد و ولد با توجه به روابط نامعقول و نامشروع جنسی و عدم توجه به خانواده، استفاده از ژنوم انسانی برای سوء استفاده های اخلاقی، و همچنین مبتلا شدن به دردهای روانی و روحی همانند افزایش جنون و دیوانگی

بدحجابی و بی حجابی ، تبلیغ برهنگی و فرهنگ عریان بودن ، همانطور که امروز شاهد آن هستیم انسان هایی که با لباس های عریان و بنام پوشش در جامعه ظاهر می شوند؛ در حالی که پوشش آن ها حکایت از برهنگی و عریان بودنشان دارد و خود را مفت و مجانی در بازارهای هواهای نفسانی و سوء استفاده های جنسی و چشم چرانیهای خیابانی چوب حراج زدند و ارزش و اعتبار خود را در خود فروشیهای ظاهری و نمایش های مدگرایانه می دانند ، کسانی که یا دارای عقده های روانی و کمبودهای معنوی دارند یا لباس کینه و عداوت و عناد را با دین خدا و دستورات و قوانین الهی پوشیده اند و همانند مردم دوران جاهلیت با انواع و اقسام روش ها و متدهای جدید در قالب مدگرایی ، مدرنیستی می خواهند مبارزه کنند که اینهم از جهالت و نادانی آن ها است زیرا که دین خدا با این نوع روشها و شیوه ها نه از مردم گرفته می شود؛ نه نابود می شود و نه در مقابل این جاهلان و جوجه موجودات سر فرود می آورد بلکه این افراد هستند که هم خود ضرر می بینند و هم به دیگران ضرر و زیان وارد می کنند.

تیپ شناسی از انسان های دوران جاهلیت جدید و متمدن بظاهر مدرنیسم:
درسوره بقره آیه ۶ و ۷ می فرماید:

ان الذین كفرو سواء عليهم ائذرتهم ام لم تنذرهم لا يؤمنون
* ختم الله على قلوبهم و على سمعهم و على ابصارهم غشاوه و لهم
عذاب عظیم»

« بدرستی کسانی که کفر ورزیدند (راه مقابله با هدایت الهی و ایمان را در پیش گرفتند و حقایق را می پوشانند و مسیر نادرست را طی می کنند). چه بیمشان دهی و چه ندهی برایشان یکسان است آن ها ایمان نمی آورند. خداوند بردل های آنان و برشنوایی ایشان مهر نهاده و بردیدگانشان پرده ای است و آنان را عذابی بزرگ است »

قرآن واقعاً چه زیبا و عالی تیپ شناسی عده ای را توصیف می کند، این همه آیات و نشانه، این همه نصرت خدا برای مومنان، این همه نعمت الهی که به مردم داده شد؛ از جمله قوانین الهی در روی زمین، پس از سال ها دوری انسان از خدا و دستورات نجات بخش او، حاکمیت نظام الهی در بین همه کشورهای که لاف انسان پرستی، دموکراسی، مردم سالاری - رعایت حقوق بشر - آزادی - جامعه ی مدنی - زندگی مسالمت آمیز زده اند، در حالی که دنیا را به جنگ و صحنه های مضمتر کننده و چنندش آور تبدیل کردند؛ امروز توسط نظام پربرکت جمهوری اسلامی تحقق یافته است. راههای هدایت و سعادت را برای ایرانیان و جهانیان گشوده است، قوانین و دستورات حیات بخش اسلام و قرآن را در صدر قوانین خود قرار داده و قانونگذاران را موظف به تطبیق وضع قوانین همه جانبه با آن کرده است دارای قانون اساسی متمدن و منطبق با فطری انسان ها و برگرفته از آموزه های دینی و قرآنی، سرلوحه قرارداددن، عزت مندی و کرامت بخشی، نجات جوامع از یوغ استعماران، رهایی بشر از فضای لجن زار و متعفن اخلاقی و معنوی، هویت بخشی به جوانان و زنان و ملت ها، دفاع از حقوق حقه زنان در جوامع انسانی، سوق دادن ملت ها خصوصاً امت اسلامی را

به وحدت، همبستگی، اتحاد در مقابل دنیای کفر و استکبار، خصوصاً صهیونیست های بین المللی و اسرائیل تجاوزگر و غاصب را و همه این امور که مصداق راه گشایی و پیمودن مسیر خیر است را امروز با حضور نظام مقدس اسلامی به بنیانگذاری انسانی مجتهد و فقیه، عالمی آگاه و وارسته، انسانی الهی و پیامبرگونه (حضرت امام خمینی (ره)) و به رهبری انسانی فرزانه، آگاه، فقیه، مدیر و مدبر و شجاع و الهی در حال محقق ساخت است و آنان که از این مسیر عدول کنند و این نعمت الهی را از دست بدهند به یقین دچار عذابی عظیم و بزرگ خواهند شد.

آیه قرآن چه بسیار تیپ انسان های گمراه و نمک شناس را بیان فرمود که این گروه تمام عوامل صادراتی و وارداتی آنها یعنی حواس و مشاعر ظاهری و باطنی شان چیزی جز زباله های اخلاقی، اعتقادی و اجتماعی چیز دیگری را رد و بدل نمی کنند و در واقع از حیز انتفاع حقیقی افتاده اند.

امروز انسان ها به خدا فرمان می دهند در جامعه آرمانگرایی الهی و اسلامی ما به خدا فرمان نمی دهیم، ما مامور مهندسی و سازندگی خانواده، اخلاق، جامعه و اجرای حکیمانه قوانین عقلی در زندگی خود هستیم، ما مسئول سعادت خود و دیگران هستیم. جامعه امام زمان (عج) جامعه مسئول و دیندار است. او نسبت به سعادت خود و سرنوشت خود احساس تکلیف و وظیفه می کند - جامعه امام زمان جامعه اخوت، برادری، اتحاد - یکرنگی، توکل - صداقت و عدالت و شرافت و کرامت است. انسان آخرالزمان همه این ها را از دست داده است. او

خدا را فرمان می دهد و خدا را تابع خود می داند ، او علاقمند به تسلط بر خداست ، آنچه خود می خواهد در حال تحمیل کردن است .

او امروز مسئول بهشت سازی و سعادت‌مندی واهی و خیالی شده است نه حقیقی . او با پیروی از بتان ساخته شده و پرستش خدایان دروغین و زر و زور و تزویر در سایه حمایت‌های افکار به ظاهر اندیشمندانه و عقل واران‌ه که گونه های وارونه عقلی را سروته کرده و برعکس عرضه می کند ، چهار نعل می تازد تا بتواند برخدا فائق آید و دین را در چنبره آرزوهای خود دفن کند و در عین حال امید به سعادت و نجات دارد که بسی خیال پردازی و هم سیری است .

او شکم خود را با غذاهای حرام و زیاله های متعفن پر کرده است و در عین حال انتظار سلامت را می کشد ، انسان آخرالزمان چنان خود را کالای حراج بازارهای خودبیگانگی و خودپرستی ، خود محوری کرده است که مشتریان او هم با دیدن وضعیت هم نوع خود همانند آئینه از زشتی ها و خرافات زندگی و پلیدی های او متنفر شده اند و حاضر به ارزش و قیمت گذاری برای او نیستند . این ها همه در زمانی حاصل می شود که انسان از حقیقت و هویت اصلی خود فاصله گیرد . ساحت ملکوتی خود را به وادی فراموشی بسپارد و همانند حیوانات یا بدتر زندگی کند که قرآن در سوره اعراف / ۱۷۹ می فرماید :

«ولقد ذرانا لجنهم كثيراً من الجن والانس لهم قلوب لا يفقهون بها و لهم اعین لا يبصرون بها و لهم اذان لا یسمعون بها اولئک كالانعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون.»

«و در حقیقت بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم چرا که دل هایی دارند که با آن حقایق را دریافت نمی کنند و چشمانی دارند که با آن ها نمی بینند و گوش هایی دارند که با آن ها نمی شنوند. آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه ترند. آری آن ها همان غافل ماندگانند.»

و در قرآن کریم علل رسیدن این انسان ها به این مرحله از سقوط و پستی بیان شده است. (فراموشی آنچه که به آن ها یاد آوری شد - خلاف حرکت توحیدی گام برداشتن) که در چند آیه قرآن آمده است.

۱- در سوره اعراف آیه ۱۶۵/۱۶۶ فرمود:

«فلما نسوا ما ذُکِّرُوا به أنجینا الذین ینهون عن السوء و اخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس بما کانوا یفسقون، فلما عتوا عن ما عفا عنه قلنا لهم کونوا قردة خاسئین.»

«پس هنگامی که آنچه به آنها تذکر داده شده بود از یاد بردند کسانی که از کار بد باز می داشتند نجات دادیم و کسانی را که ستم کردند به سزای آنکه نافرمانی می کردند به عذابی شدید گرفتار کردیم و چون از آنچه نهی شده بودند سرپیچی کردند به آنان گفتیم «بوزینگانی باشید رانده شده.»

البته این عذاب، مورد خواست خداوند نیست و همه اینها ناشی از سوء عمل و افکار بشر است چرا که در سوره نساء / ۱۴۷ فرمود:

ما يفعل الله بعذابكم ان شكرتم و آمنتم و كان الله شاكراً
علیماً .

«اگر سپاس بدارید و ایمان آورید خدا می خواهد با عذاب شما چه کند؟ خدا همواره سپاس پذیر (حق شناس) داناست.»

۲- در سوره اعراف / ۵۱ فرمود:

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً عزتهم الحیاة الدنیا فالیوم
ننساہم کما نسوا لقاء یومهم هذا و ما كانوا بآیاتنا یجہدون.
«همانان که دین خود را سرگرمی و بازی پنداشتند و زندگی دنیا
مغرورشان کرد پس همان گونه که آنان دیدار امروز خود را از یاد بردند و
آیات ما را انکار می کردند . ما هم امروز آنان را از یاد می بریم.»

بشر با این وضع به کفر پناه می آورد و زندگی کفرانه را پیشه خود می سازد
چرا که مسخره کردن ، مغرور شدند به دنیا، فراموشی آخرت و انکار آیات
الهی همه از نشانه های کافران است .

قرآن می فرماید **الذین اتخذوا دینهم و در واقع احکام دین را که
جدی است به بازی می گیرند و در عوض دنیا که بازیچه ای بیش نیست را**

جدی گرفتند واعلموا انما الدنيا لعب و لهو - گویا با این کار می خواهند دین را به حقارت بکشند که این امر سبب ذلت و خواری آن را در آخرت به همراه دارد و اینها در آخرت التماس می کنند چرا که چنان فریفته دنیا شدند که این فریفتگی به دنیا زمینه ی بازی گرفتن دین را برای آنها فراهم آورد و زمینه بدبختی آنها را بستر سازی کرد.

اینها همه سبب محرومیت انسان را تشریح می کند که این سرنوشت شوم را خودشان برای خویشتن فراهم ساخته اند این امور سبب شد که آنها در لجن زار شهوات فرو روند و همه چیز حتی رستاخیز را به دست فراموشی بسپارند و گفتار پیامبران و آیات الهی را انکار کنند لذا این فراموشی و انکار، فراموشی و انکار، فراموشی روز قیامت را به همراه خواهد داشت و در واقع کیفر متناسب با اعمال داده می شود و براساس این آیه نخستین گمراهی و انحراف زمانی در انسان شروع می شود که فرد مسائل سرنوشت خود را جدی نگیرد و با آنها به عنوان یک سرگرمی و بازیچه رفتار کند.

۳- سوره توبه/۶۷: در مورد عملکرد منافقین و انسانهای دو رو فرمود:

نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيهِمْ اِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ - وَعَدَّ اللَّهُ
مُنَافِقِينَ وَ الْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارِ نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَ
لَعْنُهُمْ اللَّهُ وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ

«خدا را فراموش کردند. پس خدا هم فراموششان کرد. در حقیقت منافقان فاسق هستند. خدا به مردان دو چهره و منافق و کفار، آتش جهنم را

و عده داده است . در آن جاودانه اند . آن آتش برای ایشان کافی است و خدا لعنتشان کرده و برای آنان عذابی پایدار است .»

این آیه شریفه علاوه بر این که هشدارهای محکم و وجود خطرات مخرب برای آگاهی جامعه اسلامی بیان فرمود. علل و عوامل سقوط فرد و جامعه را هم بیان می کند و آن این که اولاً زن و مرد در اصلاح یا تخریب و انحراف جامعه نقش اساسی و همدوشی دارند ، جامعه همیشه مستعد پرورش منحرفین و مجرمین مختلف است همان طوری که بستری برای رشد و تکامل مادی و معنوی بشر است.

اگر جامعه بخواهد سالم بماند باید آسیب شناسی خود را داشته باشد نتیجه غفلت از این امر و دوری از قانون الهی و عدم توجه به کانون هدایت و رهبری الهی دوری از رحمت الهی و غوطه ورشدن در فساد و تباهی است و در آخرت عذاب پایدار و همیشگی.

جامعه ای که خدا را فراموش کرده باشد خیر رسانی در او وجود ندارد و همیشه در هاله ای از شرور زندگی می کند دارای زندگی تاریک و سیاهی است روشنایی نور امید رسیدن به کمال در آن سو سو نمی زند و در این میان اشاعه فحشا و دعوت به منکرات از کالای اساسی ترویج و توزیع این بازار سیاه زندگی بشر است و به نظر می رسد چون انسان لجاجت در این امر می کند و از خود در مسیر انحرافات مقاومت نشان می دهد و حاضر نیست زیر بار حرف خدا و رسول او برود عذابی متناسب با نوع حرکت و زندگی منافقانه لجوجانه و

فسادگونه اش برای او در نظر گرفته می شود و چون بنای رهایی از عذاب فساد و فحشاء و کج روی ندارند؛ خداوند عذاب مقیم را برای آن ها در نظر گرفته است که بخشی از آن در دنیای مادی و این جهانی بشر محسوس است که در سوره سجده/۱۴ محور کلی این عذاب متناسب را بیان فرمود:

فذوقوا بما نسيتم لقاء يومكم هذا انا نسيناكم و ذوقوا عذاب
الخلد بما كنتم تعقلون .

« پس به سزای آنکه دیدار این روزتان را از یاد بردید عذاب را بپوشید
ما نیز فراموشتان کردیم و به سزای آنچه انجام می دادید عذاب جاودان را
بپوشید.»

چنانکه در سوره مبارکه جاثیه /۳۴ هم به این موضوع اشاره
دارد و در مقابل هم انسان هایی که از این انحرافات و کج روی ها و
خلاف اندیشی ها بدور هستند وضعیت آن ها را هم تشریح کرد و در
آیه ۱۹ سوره سجده فرمود:

اما الذين آمنوا و عملوا الصالحات فلهم جنات الماوی نزلأ بما
كانوا يعملون .

«اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کرده اند به پاداش
آنچه انجام می دادند در باغ هایی که در آن جای می گیرند، پذیرایی می شوند.»

این آیات شریفه که به عنوان نمونه در خصوص علل و عوامل سقوط و پستی انسان ها مطرح شد در بردارنده این موضوع است که فراموشی خدا ، عاملی برای کفر، کج روی و کج اندیشی محسوب می شود که نتیجه فساد ، فحشا، فسق و فجور و در هم ریختگی امنیتی و سلب آرامش و آسایش مردم جامعه می باشد. در این نوع جامعه هرگونه اتفاقی ممکن است بیافتد و هر لجن زارو سرچشمه فاسدی سرازیر نهرهای زندگی اجتماعی شود.

از ویژگی های آخر الزمان جمع آوری و پرکردن این قنات های متعفن زندگی بشر است. دوران سعادت آوری و کمال مندی انسان ها محسوب می شود بشرط این که آدم ها بخواهند به آن برسند و الا دین اسلام و ایمان آوردن برای هیچ کس اجباری و تحکمی نیست.

لا اکره فی دین « قد تبین الرشد من الغی »

و خداوند تعالی سرنوشت هر قومی را در اختیار او گذاشت.

در سوره رعد ۱۱/ می فرماید:

ان الله لا یغیر بقوم ینغیر و اما بانفسهم

« بدرستی که خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد مگر

اینکه خود در سرنوشت خود اعمال اختیار کنند و بخواهند راهی را برگزینند»

همانگونه که این موضوع را در سوره انفال ۵۳/ تبیین نمود. اینها بخشی از گفتارها و رسیده های روایی و حدیثی از پیشوایان بزرگوار از جمله امام صادق(ع) برای ما است که وضعیت آخر الزمان را تشریح می کند که دین داری را از محالات بیان می کند اما کسانی که در آن زمان اهل نجات و رستگاری هستند و دین شان حفظ می شود کسانی هستند که دارای ایمان و اعتقاد راسخ هستند به مصداق آیه شریفه سوره صف/۴ که فرمود:

« **کانهم بنیان مرصوص** » هستند همچون بنایی ریخته شده از سرب اند و این ویژگی به دست نمی آید مگر این که انسان در راه خدا و استواری دین در مقابل همه ناملایمات از خود استواری نشان دهد و استقامت کند « **و استقم کما امرت** » باشد. مصادیقی از راههای نجات یافتگی بیان می شود. از نگاه قرآن کریم و معارف اهل بیت(ع) کسانی که اهل ایمان هستند، نجات یافته اند:

در سوره حجرات ۱۵/ می فرماید:

**انما المومنون الذین آمنوا بالله و رسوله ثم لم یرتابوا و جاهدوا
بامرهم و انفسهم فی سبیل الله اولئک الصادقون.**

«در حقیقت مومنان کسانی اند که به خدا و پیامبر او ایمان آورده و شک در وجود آنها نیست و با مال و جانشان در راه خدا جهاد کرده اند اینانند

که راست کردارند راستگویی و صداقت در اعتقاد و عمل و گفتار در سایه ایمان بدست می آید مومنین هستند که راستگو باقی می مانند»

و یا در آیه ۱۰ این سوره می فرماید:

انما المومنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم

«مومنان برادر یکدیگرند پس میان برادرانتان را سازش دهید»

در آیه ۷ این سوره فرمود:

**و لکن الله حبيب الیکم الایمان و زینه فی قلوبکم و کره الیکم
الکفر و الفسوق و العصیان هم الراضدون**

«لیکن خدا ایمان را برای شما دوست داشتنی گردانید و آن را در دلهای شما بیاراست و کفر و پلید کاری و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند ساخت و آنان که چنین اوصافی را دارند ره یافته گانند.»

در سوره آل عمران ۱۰۳ قرآن کریم از نشانه های ایمان و دینی را چنگ زدن به ریسمان الهی بیان می کند و می فرماید:

**واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لاتفرقوا و اذکروا نعمت الله علیکم
اذکنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً.**

«و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید پس میان دل های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید.»
در آیه ۱۰۵ می فرماید:

ولا تكونوا كالذين تفرقوا واختلفوا من بعد ما جاءهم اليينات و اولئك لهم عذاب عظيم

«و چون کسانی مباشید که پس از آن که دلایل آشکار برایشان پراکنده شده و با هم اختلاف پیدا کردند و برای آنان عذابی سهمگین است.»
تا این جا به بخش کوتاهی از بیان قرآنی و فرمایشات روائی اهل بیت (ع) با سرلوحه قراردادن روایتی از امام صادق (ع) در خصوص جامعه سالم و ارتباط آن با فرهنگ انتظار پرداختیم؛ گرچه روایتی که بیان شد بسیار طولانی و عریض و طویل است که خواننده عزیز را ارجاع به منابع اسلامی جهت آگاهی بیشتر از وضعیت دین و دینداری در آخر الزمان می دهم. خاصه کتب روائی و سایل الشیعه جلد ۱۱ - اصول و فروع کافی - نهج البلاغه - مستند امام باقر (ع) و امام صادق (ع) که امید است با بهره گیری از الطاف قرآنی و بیانات هدایت گرایانه اهل بیت (ع) در فراهم نمودن زمینه ظهور امام زمان (عج) نقش ایفا کنیم و در اصطلاح امور و جامعه اسلامی و مومنین و مومنات تلاش کنیم تا انشا... در زمره سربازان خالص آن امام عزیز باشیم.